

## از گور خوابی تا اتوبوس خوابی



فخرالدین احمدی سوادکوهی / دیماه ۱۴۰۰

نباید ساماندهی شده و توسط دولت پاکسازی بشوند؟ انسان نیستند؟ عضوی از این جامعه نیستند؟ چه دست های پشت پرده معتادشان کرد؟ بعد رفته رفته بیشتر بی پناهان به کارتن خوابی روی آوردند و برای خوابیدن روی کارتن در پیاده رو باید اجاره می دادند. این به طریقی بخشی از فرهنگ ایران شد. یک تومور سرطانی که باعث بروز بیماری های دیگری در جامعه شد. هیچ راهکار اساسی و اصولی برای این معضل پیدا نکردند. در مرحله ی دیگر بی خانمان ها کشیده شدند به قبرستان و توی قبرهای آماده خوابیدند و پدیده ای ناهنجار به نام گور خوابی در جامعه بوجود آمد.

... و ماجرای اتوبوس خوابی این روزها \* بی خانمان ها و آنهایی که از ناداری در سوز سرما آواره ی خیابان شده اند، به اتوبوس های درون شهری پناه برده اند. برای هر شب مبلغی به راننده می پردازند. این هم از پایتخت یک کشور. در این معضل اتوبوس خوابی متاسفانه کودک هم هست. کودکانی که حق زندگی دارند. حق استراحت دارند.

همه ما از دردها خبر داریم. مصیبت را می دانیم. زخم را می شناسیم. به اندازه ی کافی شنیده ایم. هر کجای این سرزمین بروی همه می نالند. فحش می دهند به اول و آخر زندگی و حکومت. مردم دیگر فهمیده اند فقر تقدیر نیست و فقیر نگه داشته شده اند. کارد به استخوان رسیده است. از بس گفتیم کف کردیم. از بس سکوت کردیم گلو درد گرفتیم. آنها آنقدر بی تفاوت بارآمدند چاق و چله و مفت خور شدند. یکی چند صد میلیون حقوق می گیرد و هزاران نفر زیر خط فقر به چشم نمی آیند.

\* وحشتناک تر از این هست که در سرزمینی مردمانش در خیابان بخوابند؟! مدعی کدام پیشرفت هستند؟ امروز بحران بزرگی به نام مسکن و عدم نظارت و رسیدگی مسئولین مربوطه و کک کسی نگزیدن، خیلی ها به خیابان ها پناه برده اند. به خیابان رفته اند چون جایی ندارند. دستشان به هیچ جا بند نیست. بحران از کارتن خوابی شروع شد. تا اسم کارتن خواب ها می آمد مدعی بودند جمعی معتاد هستند. خوب همین معتادها

چه جنبیتی بزرگتر از این که حکومت مردمان خودش را به بی رحمانه ترین شکل رها کند؟! \* بعد از افشای ماجرای اتوبوس خوابی و پوشش خبری، هیچ مقامی دهان باز نکرد تا قصه ای بباقد جز حضرت چمران عضو شورای شهر تهران که مدعی شده برای کسی که توی اتوبوس خوابش برد کاری نمی توان کرد! اصلا کاری هست که بکنید؟ اصلا برایتان وضعیت زندگی مردم مهم است!

\* در این شرایط شهردار تهران پیشنهاد می دهد محصل ها را ببریم بهشت زهرا گردی! دنیا بچه ها را تربیت می کنند برای هوش مصنوعی و فضا نوردی و حضرت شهردار می گوید ببریم قبرستان گردی. نماینده بابل درست وسط جلسه

روی میز نماز می خواند و یک متر آن طرف تر هم نمی رود تا جلوی دوربین نباشد. این ها مسئولین و دلسوزان کشورند؟! فرزند و فک و فامیل مسئولین لشگری و کشوری تو آمریکا و اروپا عشق و حال و تحصیل می کنند و برای مردم همه چیز حرام است و سرنوشت آنها توسط خداوند متعال رقم خورده و باید بپذیرند حقیر و فقیر و بدبخت زندگی کنند.

\* از این همه خرفت بودن و حماقت خسته نشده اند؟! اینقدر مردم را احمق فرض کردن حال خودشان بهم نمی خورد؟! جامعه به چه سمت و سوی کشیده می شود؟! همه می دانیم چه خبر است. همه از حال و روز هم با خبریم. ولی چاره چیست؟!

## پاسخ یک کارگر ضد سرمایه داری به نامه بالا

- / دیماه ۱۴۰۰

پارک هرندی و مناطقی چون میدان شوش، چهار راه مولوی، توالت های پارک ها و ... پناه می برند. معتادان سهم بزرگی در تحقق یا به سامان رساندن ارزش اضافی های غول آسای تولید شده در بخش تولید مواد مخدر و رسیدن آن ها به دست صاحبان سرمایه ایفا می کنند. سرمایه رابطه تولید اضافه

شما به درستی اشاره کرده اید که مگر معتادان سر پناه نمی خواهند اما در گزارش های رسانه های دولت سرمایه هم آمده که اکثریت بی سرپناهان معتاد نیستند. بسیاری از این جماعت کارگرانی هستند که به خاطر نداشتن مسکن و جای خواب به کارتن خوابی، گور خوابی

ارزش است، اینکه ارزش اضافی ها چگونه؟ در کدامین قلمرو، در کشاورزی یا صنعت، با تولید مواد مخدر مهلک بشریت برانداز، تولید سلاح های کشتار جمعی، تولید بازی های کامپیوتری شعور کُش و بمباران کننده فکر کودک، سرازیر شود یا در تولید غذا و دارو و لباس و مایحتاج اولیه انسانی، برای سرمایه اساسا بی تفاوت است. هر کدام سودآورتر، همان عقلانی تر، مطلوب تر، مجذوب تر، پسندیده تر و «انسانی تر»!!! است. اضافه ارزش های تولید شده در عرصه مواد مخدر باید پروسه تحقق و سامان پذیری خود را به فرجام رسانند تا سرمایه الحاقی غول پیکرتر گردند. معتمدان هم کارگران پروسه همین دورپیمائی و به سامان رسیدن ارزش اضافی ها هستند. همانطور که سرمایه به ارتش احتیاط کار نیاز دارد به کارگران معتاد هم نیاز دارد. این سرشت سرمایه است که معتاد، تن فروش، بیکار و... می زاید. دولت و نمایندگان سرمایه این شرایط، یعنی تولید ارزش اضافی و سر شکن کردن بحران به زندگی فلاکت زده کارگران را مدیریت می کنند. گور خوابی، کار تن خوابی، اتوبوس خوابی و معتمدان بی سرپناه هم نتیجه سیاست دولت و نمایندگان سرمایه است. این کار دولت و نمایندگان سرمایه از "خرفت" بودنشان نیست بلکه منافع سرمایه داران ايجاب می کند در تولید

فقر و فلاکت برای توده های کارگر عمل کنند. انتظار از دولت و نمایندگان مجلس، خاک پاشیدن در چشم توده های کارگراست. توسل به آستان بورژوازی و قانون بورژوازی و انتظار اینکه از "خرفتی" به درآیند، کج راهه ای است که پیش راه طبقه کارگر می گذارند. نزدیک سه میلیون خانه خالی فقط در تهران است. طبقه کارگر بایستی برای بی سرپناهی به میدان آید و کل خانه های خالی را تصرف و در اختیار بی سرپناهان بگذارد. در شرایط کنونی اولین بخشی که در الویت داشتن سرپناه می باشند کارتن خوابان و معتمدان هستند و این کار به پیکار طبقه کارگر بستگی دارد. باید شورایی و سرمایه ستیز سراسری به میدان مبارزه با سرمایه آمد. تا خرید و فروش نیروی کار هست، گرسنگی، بی سرپناهی، تن فروشی، اعتیاد، کودک فروشی و فروش اعضای بدن انسان ها هم هست. در آلمان که یکی از قطب های بزرگ سرمایه داری جهانی و مرکز تاخت و تاز دموکراسی و حقوق بشر سرمایه است شمار بی خانمان ها کم نیست. کارگران بی سرپناه بدون توسل به قانون بورژوازی و دولت سرمایه، خانه های خالی را تصرف کردند و در نهایت، دولت سرمایه داری در برابر قدرت کارگران مجبور به تمکین شد. چرا کارگران ایران نباید وارد این میدان گردند؟؟